

جنبش کارگری ایران در آستانه مرحله‌ای نوین

در دو هفته اخیر دو رویداد مهم اتفاق افتاده که جنبش کارگری ایران را در آستانه مرحله نوینی قرار داده است. اولین رویداد سفر هیئتی از کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد (ICFTU) به ایران و فعالیت‌های حول و حوش آن بود. این اولین بار بود که هیئتی از سوی یک تشکل اتحادیه‌ای بین‌المللی با حدود ۱۵۰ میلیون عضو به ایران سفر می‌کرد. هیئت ICFTU تدارکی برای سفر به ایران و کشف حقایق مربوط به وضع زندگی و مبارزات کارگران و وضعیت تشکل‌های فرمایشی موجود ندیده بود و حتی مترجم مستقلاً با خود نداشت و مترجم آن را نیز خانه کارگر در اختیار هیئت گذاشته بود. اما با افشای خبر این سفر بخشی از فعالین کارگری در ایران وارد صحنه شدند و به شکل‌های گوناگون کوشیدند با این هیئت تماس بگیرند. تعدادی از کارگران ایران خودرو نامه‌ای به این هیئت نوشتند و در باره وضعیت خودشان به آن گزارش دادند. محمود صالحی، از فعالین کارگری و محسن حکیمی عضو شورای نویسندگان، که به عنوان مترجم صالحی را همراهی می‌کرد، شجاعانه با هیئت ICFTU تماس گرفتند و بخشی از حقایق را با آن در میان گذاشتند. در خارج از کشور نیز فعالین کمپین بین‌المللی همبستگی با کارگران ایران به طور مرتب با مسئولین هیئت تماس داشتند و آن را در جریان اوضاع واقعی کارگران ایران می‌گذاشتند.

از سوی دیگر مقامات دولتی از دیدار هیئت با کارگران صنعت نفت در تهران و شیراز جلوگیری کردند و در تمامی مدت اقامت هیئت در ایران کلیه اعمال آن را زیر نظر داشتند. در نتیجه در مجموع شرایطی بوجود آمد که فرستادگان کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد هم از نزدیک و به طور مستقیم با چند تن از فعالین کارگری تماس داشته باشند و هم جو پلیسی بر محیط‌های کار و کارشکنی‌های جمهوری اسلامی در راه تحقیق آزادانه هیئت را تجربه کنند.

نفس این موضوع که فعالین کارگری داخل به شکل‌های مختلف دیوار قطور سانسور را شکستند و توانستند مستقیماً با هیئت ICFTU تماس بگیرند، پدیده مهمی است که در طول حیات جمهوری اسلامی سابقه نداشته است.

رویداد مهم دیگر راهپیمایی کارگران سقز در اول ماه مه و دستگیری تعدادی از آنان و حوادث متعاقب آن بود. از زمان برقراری خفقان جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ تاکنون اولین بار است که بخشی از کارگران به گونه‌ای مستقل و برای بزرگداشت روز جهانی کارگر دست به راهپیمایی زدند.

بنابراین خود این راهپیمایی مستقل کارگران سقز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و طبیعی است که نیروهای رژیم برای سرکوب آن به تقلا افتادند. تعدادی از راهپیمایان دستگیر شدند که محمود صالحی و محسن حکیمی نیز که چند روز پیش از آن با هیئت ICFTU دیدار داشتند، جزو آنان می‌باشند.

پس از دستگیری کارگران سقز در اول ماه مه، فعالین کارگری در خارج از کشور کارزار وسیعی را جهت آزادی آنان به راه

انداختند. کارزاری که بسیاری از جریان‌ات و تشکل‌ها به فراخور امکانات و توانایی هایشان در آن شرکت کردند. از سوی دیگر همسران دستگیرشدگان نیز طی نامه‌ای به مسئولین کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه های آزاد (ICFTU) خواهان اقدام این تشکل در جهت آزادی دستگیر شدگان شدند. مجموعه این فعالیت‌ها موجب جلب حمایت ICFTU و تعدادی از اتحادیه‌ها در کشورهای مختلف از دستگیرشدگان اول ماه مه سقز و شکایت آنان از جمهوری اسلامی به سازمان جهانی کار شد.

راهپیمایی کارگران در سقز و آزاد شدن کسانی که به بند جمهوری اسلامی افتاده اند، از اهمیت ویژه ای برای کل جنبش کارگری برخوردار است. همان طور که پیشتر اشاره کردم، صرف نظر از دو سه سال پس از انقلاب، کارگران سقز برای اولین بار به گونه ای مستقل برای بزرگداشت روز جهانی کارگر به خیابان‌ها آمدند. آنان با این کار عملاً به جامعه اعلام کردند که کارگران حق دارند و باید روز جهانی خود را مستقلاً جشن بگیرند و این روز هیچ ربطی به پادوهای جمهوری اسلامی از قبیل خانه کارگر و تشکل‌های رنگارنگ آن ندارد.

اقدام کارگران سقز حلقه ای از مبارزه طولانی کارگران برای گرامی داشت روز کارگر و مصون داشتن این روز از گزند جمهوری اسلامی و سرمایه داران ایران است. کارگران ایران در اولین گام و در سالهای اول حیات ننگین جمهوری اسلامی پیش نویس قانون کار توکلی را، که در آن حتی از بردن نام

کارگر پرهیز شده بود، کنار زدند و از هویت طبقاتی خود دفاع کردند. در گام بعد تلاش‌های رژیم را برای این که اعیاد مذهبی را به نام روز کارگر تحمیل کند بی نتیجه گذاشتند و به جمهوری اسلامی و سرمایه داران تحمیل کردند که روز جهانی کارگر را به رسمیت بشناسد. و سرانجام رژیم را واداشتند که ۱۱ اردیبهشت را تعطیل رسمی اعلام کند. اکنون اقدام کارگران سقز تلاش مهمی است برای گرفتن حق بزرگداشت مستقل و علنی روز جهانی کارگر به دست خود کارگران. در صورتی که این حرکت به نتیجه برسد و ترتیب دادن راهپیمایی‌های مستقل در روز کارگر به پدیده‌ای عمومی در سطح کل ایران تبدیل شود، بی گمان جنبش کارگری موفقیت بزرگی به دست خواهد آورد.

به همین جهت آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیرشدگان اول ماه مه سقز برای کل کارگران ایران اهمیت زیادی دارد. تلاش برای آزادی آنان به معنای دفاع از حق اجتماعات و راهپیمایی‌های مستقل کارگری است. اگر کارگران این حق را به چنگ آورند، آنگاه جنبش کارگری وارد مرحله نوینی برای بوجود آوردن تشکل‌های مستقل خود می‌شود. به همین جهت لازم است همه فعالین کارگری در داخل و خارج از کشور و همه مدافعین واقعی آزادی و حقوق بشر بر تلاش‌های خود به منظور آزادی فوری دستگیرشدگان اول ماه مه سقز بیافزایند. ضروری است کلیه نیروهای مترقی و مدافع کارگران به دور از گروه‌گرایی‌ها حداکثر توان خویش را برای سازمان دهی مبارزه‌ای گسترده‌تر و هماهنگ‌تر به منظور آزادی

دستگیرشدگان سقز به کار گیرند.

یداله خسروشاهی - ۱۲ مه ۲۰۰۴